

غازی پور مرکز فرهنگ اسلامی

غازی پور یکی از شهرهای مشهور ایالت اترپرادش هند است که میان عرض البلد ۲۵ درجه و ۱۹ دقیقه و ۲۶ درجه و ۲ دقیقه شمال و طول البلد ۸۳ درجه و ۷ دقیقه و ۸۴ درجه و ۴۰ دقیقه شرق گرینویچ واقع شده است. مساحت آن ۲۱۹۵ میل مربع است، در طرف شمال رود گنگ و در سمت جنوب نیز رود گنگ در طول ۳۷۵ میل جریان دارد. شهرهای همجوار آن بنارس، جونپور، اعظم‌گر، سرون و شاهاباد اند.

غازی پور یک منطقه زرخیز کشاورزی با فضای بسیار سرسبز، درخت‌های با ثمر و بوته‌های گل‌های معطر است. رودهای مشهور آن عبارتند از: گنگا، گومتی، گانگی، بیسو، منگئی، بهینسی، سرجوی کوچک، کرمناسه. علاوه بر این تالاب و آبگیرهای مصنوعی نیز وجود دارد.

تال: تعداد این گونه آبگیر ۲۵ است. تالاب که کوچکتر از تال است تقریباً دو هزار است، کوچک‌ترین آبگیر را پوکه‌را می‌گویند پوکه‌را در هر روستا دو سه عدد وجود دارد. بگناتال در بلوک برنو دو کیلومتر طول، یک کیلومتر عرض دارد، تال بچوتر در بلوک مرده است، پنج کیلومتر طول و دو کیلومتر عرض، تال کینری بلوک سادات طول پنج کیلومتر عرض سه کیلومتر است. همین طور «کوتھیال کا داری تال در بلوک جگهنیا تقریباً ۵۶۶ بیگه مربع گسترده است»^۱.

تالاب: تالاب رانی ساگر، رانی دمیتی ساگر برای شستشوی شاهبانوان واقع دلدانگر مینیکا، تالاب بلوک کرندا در ده مانکپور است. پخته تالاب محله نواب گنج مؤسس شیخ عبدالله و شیخ فضل علی، تالاب موهن لال در محله روضه است.

۱. جن پد، ص ۱۵۰.

پوکھرا: پوکھرا پیاز خان واقع محلہ مہوا باغ متصل مقبرہ، ویدبھاری پوکھرا محمدآباد، شیو پوکھرا نزدیک شیو مندر، کنوان کا پوکھرا بلوک جکھنی، مونی بابا سمادھی استھل پوکھرا، کندواری پوکھرا در روستای واجدپور در زمان مغول تاسیس شد. می گویند قبلاً مریض جذام پس از آبتنی شفا می یافت. حالا تأثیری ندارد.

گھات: کنار رود پله های سنگی می سازند که بر آن نشسته لباس می شورند و حمام می کنند. اسم بعضی از گھات های مشهور به این صورت است: گولہ گھات، استیمر گھات، کونلہ گھات، پوستہ گھات، انجیٹا گھات، کلکتر گھات، اسلامی گھات. چون هندوان مسلمانان را از حمام و استفاده کردن از گھات هایی که کنار رود گنگ بود منع کردند، مسلمانان گھاتی دیگر برای خودشان به نام اسلامی گھات از آجر سرخ بنا کردند. مسعود گھات یکی از مهم ترین گھات است که سید مسعود مؤسس غازی پور آن را بنا نهاد.

اسم این شهر بر نام ملک السادات امیر سید مسعود غازی نهاده شده است. امیر سید مسعود در عهد محمد تغلق با راجہ ماندھاتا چکوه، حکمران این ناحیہ، جنگ کرد و پیروز شد. در نتیجہ بہ خطاب غازی سرفراز گردید. وی بہ مناسبت این خطاب شهری در سال ۷۳۰ هـ ق/ ۱۳۳۰ م. بنا کرد و آن را غازی پور نامید.^۱

دکتر سرجو تیواری می نویسد کہ تعیین اسم قدیمی این شهر بسیار مشکل است، ظاہراً غازی مسعود پس از فتح این منطقہ، «غازی شهر» را آباد کرد. با وجود تمام حقایق تاریخی، در قرون اخیر داستان های راجہ گادھ و شهری بہ نام گادھی پور نیز بین مورخین مورد بحث قرار گرفته است.

قرن ها پیش راجہ گادھ شهر دیگری را بنا کرده بود کہ آن را قنوج نگر می گفتند و اسمش گادھی پور بود. آن شهر ارتباطی با غازی پور ندارد. اولین بار این قضیہ را نیول انگلیس شروع کرد. قلعه ای کہ قلعه راجا گادھ گفته می شود این ہم افسانہ است. این قلعه را نصیرخان نوحانی در زمان سلطان ابراہیم لودی، بنا کرد و مرکز اداری بود.^۲

۱. سید امان اللہ، دست نویس، ص ۹، میمائرز آف غازی پور، ص ۷۶ و ۷۷ پور پداتھاس کی درشتی میں، ۲۲-

۲۱، دکتر شیو منگل رائی، کی پور کا اتھاس، ص ۵۹.

۲. کی پور کی اتھاس دہرہ، ص ۹.

۳. در متون فارسی نوحانی و در متن انگلیسی لوهانی آمدہ (مخزن افغانی، ص ۲۵۲-۱۲۳۳، اولدھم

میمائرز آف غازی پور، ص ۷۶.

قبل از سال ۵۲۸ قبل از میلاد در زمان گوتم بدیه کنار رود گنگ که الآن آبادانی شهر غازی پور است، در سلطنت کوشل قرار داشت. در اینجا جنگل‌های زیاد و آبگیرهایی بود و اقوام نیم متمدن و غیر متمدن در آن جا زندگی می‌کردند. اشوک شاه در حدود سال ۲۷۳ قبل از میلاد به این منطقه وارد شد و دین بودایی در آن جا رواج یافت.^۱ از مسکوکات و ظروف و غیره که در حفاریات دریافت شده، آشکار می‌گردد که پیش از اسلام در مضافات غازی پور شاهان موریه حکومت می‌کردند.^۲

کشاکش دین بودایی و برهمنی باعث زوال فرهنگ آن منطقه شد و قلعه‌ها و استوپ‌ها و معبد‌های بودایی تبدیل به توده‌های خاک شد.^۳ ستون شاهپور عرف لتهیا که از زمانیه سه کیلومتر به سمت شرق و از غازی پور پانزده کیلومتر به طرف جنوب ماورای گنگا است، شاهد بر این است که حوالی غازی پور، قبل از تأسیس این شهر محل تاریخی بود.^۴

پس از پایان حکومت موریه، این منطقه بعد از سال ۱۸۴ قبل از میلاد زیر نگین شاهان شنگ در آمد. مضافات غازی پور به عنوان شاهراه بوده است. فاهیان در سال ۴۱۴ میلادی و هیون سانگ در زمان هرش وردهن از آن طرف گذر کرد.^۵ او مسافرت خود را در سال ۶۳۰ میلادی شروع کرد و این منطقه را سرزمین بهادران گفت.

غازی پور در حکومت اسلامی

مسلمانان در سال ۱۰۲۹ میلادی در حوالی سرزمینی که الآن غازی پور نام دارد، قدم نهادند. آن موقع قبیله‌ای غیر متمدن به نام سیوری در آن جا قدرت داشت. سید سالار مسعود غازی بن سید سالار ساهو به این سرزمین آمد. سید سالار مسعود به سربراهی ملک مردان، لشکری را برای سرکوبی راجه سیوری فرستاد. آنها بعد از فتح این منطقه،

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۵۳؛ کار لاکهار و س. ریپورب، ۱۸۷۷ تا ۱۸۸۰، ص ۹۳ تا ۱۰۱، Vol. III، ص ۶۲.

۳. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۶۰.

۴. همان، ص ۶۳.

۵. همان، ص ۳۱.

قریه‌های مختلف را به نام امرای خود موسوم کردند، به طور مثال بحری‌آباد به نام ملک بحری و سعدی‌آباد به نام خادمش سعدی است که بعدها به نام شادی‌آباد شهرت یافت. آنها بعد از سکونت دائم در این منطقه، به تبلیغ دین مبین پرداختند و سیوری‌ها تحت تأثیر آنها اسلام قبول کردند.

در قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم میلادی قطب ایک و بختیار خلجی به فتوحات خود ادامه دادند. جایی که ایشان اقامت گزیدند، به نام قطب‌پور و کنار آن رود به نام قطب‌گنج گهات موسوم شد.^۱

در عهد سلطان التمش، سید تاج‌الدین سبزواری از دهلی به عنوان سردار و حاکم با همراهی بسیاری از مسلمانان وارد این دیار شد و اسم قریه‌ها را به نام آنها موسوم کردند، به طور مثال: تاج‌پور، شیخ‌علی‌پور، حسن‌پور، غوث‌پور و غیره.^۲

در زمان سلطان محمد بن تغلق سپه‌سالار امیر سید مسعود مذکور برای سرکوبی راجه ماندهاتای چکوه فرستاده شد. ماندهاتا چکوه پادشاهی قوی از خانواده راجه چوهان راجپوت سوریه‌ونشی بود. وی برادرزاده‌اش بنومن چکوه را ولی عهد گردانید. بنومن چکوه حکمران ظالمی بود. مردم به پادشاه دهلی شکایت کردند. امیر سید مسعود به کمک فرزنداناش با آنها جنگید و پس از موفقیت، شهری تأسیس کرد که قبلاً به تفصیل ذکر شده است.^۳

پس از فتوحات سید سالار مسعود، سید ضیاء‌الدین حاکم غازی پور و بنارس گردید.^۴ به مرور زمان غازی‌پور به تسلط شاهان شرقی درآمد و شش حکمران از سال ۱۳۹۴ تا ۱۵۰۵ میلادی بر آن حکومت کردند. بهلول لودی نیز چند روز در غازی‌پور اقامت داشت در عهد وی نصیرخان نوحانی (لوهانی) جاگیردار غازی‌پور بود.^۵

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. امان الله، نسب‌نامه، نسخه خطی، ص ۸-۹.

۴. سید اولاد علی بلگرامی، تاریخ جدید اریسا بنگال و بهار، ص ۱۲۸.

۵. مخزن افغانی، ص ۲۳۳ و ۲۵۳.

در سال ۱۴۹۶ م. سکندر لودی حسین شاه را شکست داد و در نزدیک بلیا شهری به نام سکندرپور آباد کرد. سپس نصیرخان لوهانی حاکم غازی‌پور شد و قلعه غازی‌پور را بنا نهاد.^۱

بابر چون به تاریخ ۲۸ مارس ۱۵۲۵ م. به غازی‌پور رسید، دو ماه آنجا بود و تمام وقایع را تاریخ‌وار رقم کرد. وی اسم محله‌ها، رودها و ویژگی‌های آنها را نیز بیان کرده است. به طور مثال می‌نویسد که گومتی رود باریکی است ولی عبور کردن از آن دشوار بود. رود دیگری به نام کرم‌ناسه بود که هندوان از آب آن می‌ترسیدند. آنها عقیده داشتند که اگر آب این رود را مس کنند بدبخت می‌گردند. پس از آن دور می‌بودند و از آن جا عبور نمی‌کردند.^۲

اکثر محله‌ها در همین زمان آباد گردید. شجاول‌پور یکی از این محله‌ها است.^۳ در زمان بابر شاه، همایون برای سرکوبی نصیرخان لوهانی وارد شهر غازی‌پور شد. همایون با شیر شاه سوری نزدیک غازی‌پور در محلی به نام چوسه جنگید و شکست خورده، به خانقاه شیخ بهلول (پهول) و برادر کوچکش شیخ محمد غوث واقع در ظهورآباد پناه برد و به کمک نظام سقه به موضع ویرپور غازی‌پور رسید، در نتیجه شیر شاه بسیاری از خانقاه‌ها را با خاک یکسان کرد.

در زمان اکبرشاه، علی قلی خان شیبانی حاکم دارالامارت جونپور شد. وی در سال ۱۵۵۹ م. عادل شاه سوری را شکست داد و بر تمام منطقه غازی‌پور قابض شد. علی قلی خان شیبانی فرزند ازبک تاتار حیدر سلطان بود که از بطن یک زن ایرانی در عراق متولد شد. وی دلیر و جنگجو بود^۴ و به اکبر خیلی نزدیک بود و خطاب خان زمان را از او دریافت کرد. می‌گویند بعد از بیرم خان، علی قلی شخص دوم دربار بود. وی غازی‌پور و گرد و نواحش را فتح کرد و به نام خود قصبه زمانیه را آباد کرد. اکبر نیز به غازی‌پور آمده بود و ذکر قلعه نصیرخان لوهانی در اکبرنامه موجود است.

۱. میر مهدی علی ساکن گنگولی، ص ۴۷ و اولدهم ص ۷۶

۲. اولدهم، ص ۷۸.

۳. سید امان الله، ص ۴۷، عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۸۰

۴. میمائرز، ج اول، ص ۷۹.

یکی از سپهسالاران مهم اکبری به نام بهار خان حاکم شهر غازی پور بود.^۱ وی گهات و قلعه‌ای ساخت که به نام قلعه بهارخان معروف است.^۲ وی همچنین باغی را بنا نهاد که به نام همسرش بیگم قیصر، قیصری باغ نامیده شد و در مورد آن مشهور بود که در آن بوته‌های گل‌های معطر و درخت‌های باردار وجود داشت.^۳

در عهد جهانگیر، سلطان خان حاکم بود. در عهد شاهجهان صوفی بهادر فوجدار غازی پور شد. صوفی بهادر در زمان اورنگ‌زیب نیز حاکم آنجا بود. انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها زمینداران و کشاورزان آنجا را مسیحی می‌کردند ولی حاکم مذکور آنها را سرکوب کرد. مردم در روزگار وی بسیار شاد و مرفه حال بودند. پس از رحلت صوفی خان، نواب عتیق الله خان حاکم غازی پور شد.

پس از زوال حکومت اورنگ‌زیب، برهان‌الملک سعادت علی خان نیشابوری حاکم صوبه اوده شد و غازی پور زیر نگینش درآمد.^۴ در زمان فرخ سیر در سال ۱۷۱۷ م. سربلند خان حاکم شد و او شیخ عبدالله را نایب خود گردانید. سپس پسرش فضل علی حاکم شهر غازی پور شد. شجاع‌الدوله فضل علی را بر طرف کرد و منسا رام پدر راجه بلونت سینگ (راجه بنارس) را حاکم غازی پور گماشت. راجه بنارس یک سال بعد یعنی ۱۷۳۶ میلادی فوت شد.

به همین صورت غازی پور در دست جاگیرداران مختلف بود. در سال ۱۷۸۶ م. لارد کارنوالس چون گورنر هندوستان شد، در غازی پور محکمه پولیس برپا شد و یک فرد انگلیسی به نام جونات دنکن در بنارس ریزیدنت معین شد. او کارهای اداری غازی پور را انجام می‌داد. در سال ۱۷۸۷ م. رچرڈسن انگلیسی قاضی معین شد. در ۱۸۱۸ م. غازی پور را ضلع (شهرستان) قرار دادند. اولین کلکتر (حاکم اعلی) رابرت باربو معین شد و غازی پور تحت نظارت اداره دولتی قرار گرفت. در سال ۱۸۲۶ م. زبان

۱. اولدهم، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۱۰۲.

۴. مائر الکرام، ج اول، ص ۲۲۲.

اردو و فارسی زبان اداری شد^۱ و مرزهای دولتی معین گردید. آن موقع مرزهای غازی‌پور بسیار گسترده بود. در سال ۱۸۳۲ میلادی مرزهای غازی‌پور تغییر یافت و بعضی از مناطق را به شهر اعظم‌گر ملحق کردند. در سال ۱۸۷۹ میلادی پرگنه بلیا از غازی‌پور جدا شد. در سال ۱۸۸۳ ظهورآباد و هفتاد و نه قریه دیگر به بلیا داده شد. در سال ۱۸۹۲ م. گرها به بلیا ضم شد. در سال ۱۹۲۹ م. پرگنه مهانچ از غازی‌پور جدا شده به بنارس ملحق شد. در سال ۱۹۰۶ میلادی غازی‌پور از لحاظ مساحت ۸۹۱۰۶۴ ایگر ماند. غازی‌پوری که در زمان اکبر هفده پرگنه و هیجده محال داشت، الان فقط پنج تحصیل یعنی مرکز اداری به نامهای ۱. غازی‌پور ۲. محمدآباد ۳. سیدپور ۴. جکهنیا و ۵. زمانیه دارد.

انگلیسی‌ها چون بر سر اقتدار آمدند، هرج و مرج سیاسی به وجود آمد، آنها کاشمیری مل را ناظم غازی‌پور معین کردند. در سال ۱۸۵۷ میلادی منگل پانندی را اعدام کردند و از آن زمان تا سال ۱۹۴۷ میلادی اهالیان شهر غازی‌پور به فعالیت‌های انقلابی برای استقلال هند پرداختند. آهسته آهسته این شهر رونق ادبی خود را از دست داد. پس از استقلال، نظام سیاسی کشور هندوستان به صورت جمهوری درآمد و کشورداری با آیین نو آغاز گردید. جواهر لعل نهرو نخست وزیر هندوستان شد.

اکنون نایب رئیس جمهور هند آقای حامد انصاری از غازی‌پور است. پدرش عبدالعزیز انصاری استاد هنر و نقاشی نیز از مجاهدین آزادی و از شخصیت‌های بزرگ غازی‌پور است. دکتر مختار احمد انصاری رئیس جامعه ملیه (۱۹۳۶-۱۸۸۰ میلادی)، سید محمود، وزیر آموزش و پرورش، قاضی فریدالحق انصاری (۱۹۶۶-۱۸۶۹)، مولوی عبدالصمد (۱۹۰۳-۱۸۴۸ میلادی) خطاب خان بهادر حکومت انگلیسی را مسترد کرد. حکیم نابینا انصاری برادر بزرگ احمد انصاری (۱۹۴۱-۱۸۷۰ میلادی)، زهره انصاری از همان خانواده‌ای بود که به مهاتما گاندی اردو یاد داد. (۱۹۵۰-۱۷۹)، دکتر شوکت الله انصاری سفیر هند در سودان و گورنر اریسه، مولوی وحیدالله احراری (۱۹۷۸-۱۸۸۴ میلادی)، سوامی سهجانند سرسوتی انقلاب کشاورزی بپا کرد. منگل پانندی از مهمترین

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۱۵۴-۱۵۵.

شخصیت‌های انقلابی بود که اعدام شد. ابوظفر انصاری، غلام ربانی عباسی، مصطفی عباسی و غیره در نهضت آزادی هند کارهای نمایانی انجام دادند.^۱

گجانند مارواری، نویسنده زبان هندی، در سال ۱۹۱۶ میلادی در غازی پور انجمن کانگریس را بنیاد نهاد. دامودر شاستری از روستای دیوتی پور بود که در سال ۱۹۲۱ زندانی شد. دل شرنگار دوبه از روستای برهمن پورا، آزادی خواه، بینی مادهو شرما از ده گروا مقصودپور، دکتر شاه پوجن رای از موضع شیرپور در سال ۱۹۴۲ میلادی در ساختمان محمدآباد تحصیل چون برای برافراشتن پرچم هند بلند شد، انگلیسی‌ها وی را با گلوله توپ به قتل رساندند. هنوز به یادبود وی در محمدآباد شهید اسمارک وجود دارد.^۲

بهرگونات پاندی از کرکت پور در سال ۱۹۳۰ م. برای سه سال زندانی شد و در سال ۱۹۴۲ دوباره محبوس گردید. بلداؤ پاندی در سیدپور استاد سانسکریت بود که در سال ۱۹۴۲ فرودگاه راجوری غازی پور را منفجر کرد. استاسیون قطار را آتش زد و پرچم را بلند کرد. دولت انگلیس وی را برای ۲۳ سال زندانی کرد. ولی در سال ۱۹۴۶ رها شد.

بالروپ شرما آزادی خواه و شاعر زبان هندوستانی هم بود. سرجو پاندی از ارها قاسم آباد در حزب کمونیست بسیار فعال بود و در نهضت استقلال در سال ۱۹۴۲ م. از دست یک انگلیسی اسلحه‌ای را به زور گرفت، در نتیجه با شانزده نفر از آزادی خواهان مورد مجازات قرار گرفت. وی در کابینه و پارلیمان عضویت داشت و در سال ۱۹۷۹ در مسکو فوت شد. وشونات سینگ گهمری حقوق دان یکی از زندانی‌ها بود.^۳

سید بشیر حسن عابدی و سید شبر حسن حقوق دان بودند و در پیشرفت جامعه تأثیر گذاشتند. یونس پرویز در ارتش «آزاد هند» بود.

وضع اجتماعی، اقوام و ملل

قبل از میلاد مسیح چنانکه قبلاً ذکر شد، در زمان گوتم بده اقوام غیر متمدنی در آبگیرها ماهی شکار می کردند. اسم این قبیله‌ها چیرو، بهر، سیروی، موسهر، ونت بود.

۱. غازی پور مهوتسو، ۲۰۰۸.

۲. شیو منگل رای، غازی پور کا ایتهااس، ۲۰۰۳.

۳. غازی پور مهوتسو، ص ۱۹-۱۴

۱. موسهر: اینها بیرون آبادی نزدیک درخت‌های میوه و بر زمین‌های غیر زرعی خانه‌های موقتی داشتند که اصطلاحاً به آن دیره گفته می‌شد. غذای شان قورباغه، سنگ پشت، مار، موش، خرگوش و غیره بود.^۱
۲. سیوری: اینها نیز غیر متمدن و شایق شکار شغال بودند. به هندی شغال را سیار می‌گویند. اکنون نیز کشاورزان این قبیله قبل از آغاز کار، نذر و نذورات برای سیوریا بابا می‌نهند.^۲ تا قرن یازدهم این قبایل کمی متمدن شدند و تشکیل حکومت نیز دادند.
۳. نت: نت‌ها دام‌پروری می‌کردند. آنها در مرز شمالی غازی‌پور بودند. آخرین سردار قبیله به نام موجی نت بود. آنها جنگجو و سرکش بودند. شاهان شرقی برای سرکوبی آنها سپه‌سالاری به نام ملک مسعود را فرستادند. موجی نت تاب نیاورده به جلگه‌های همالیه فرار کرد و آن منطقه مرز شمالی به نام موجی نت بهنجن مشهور شد که الان مئونات بهنجن گفته می‌شود.
۴. بهر: آنها نیم متمدن و در دو شاخه بودند یکی مشغول خنزیر پروری شد و گوشت خنزیر می‌خوردند، گروه دوم کشاورزی می‌کرد و خود را راج بهر می‌نامید و با نام خود نام نسبتی رای را به کار می‌برد. آنها فکر می‌کردند که از خانواده شاهان‌اند.^۳
۵. قبیله چپرو: آنها از اقوام متمدن و حکمران بودند. آنها قلعه بنا می‌کردند، سکه داشتند، چاه درست می‌کردند که قطرش کمتر از چهار گز نمی‌بود. یکی از آن چاه‌ها در غازی‌پور نزدیک پل چوبی (کتھوا پُل) به نام پکوا انار و برکا انار یعنی چاه پنخته و چاه بزرگ وجود دارد. افراد این قبیله تا حال در زمانیه، اورپهار و محمدآباد زندگی می‌کنند. بعضی‌ها از برگ پلاس ظرف غذاخوری درست می‌کنند. اگرچه اکثریت افراد این قوم پس از ورود دین بودایی و عروج دین هندو و تبلیغات اسلامی با اقوام دیگر مخلوط شدند ولی تا حال وجود دارند.^۴

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۴۰، کارلایل، ج ۲۲، ص ۹۰-۱۰۵.

۲. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۴۱-۴۰.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۴۳.

درباره فرهنگ چند قرن قبلی اطلاع دقیقی در دست نیست. دین بودایی در زمان اشوک شاه و اقتدار گپتا در آن منطقه رواج داشت ولی قبل از آمدن مسلمانان از بین رفته بود و راجپوتان و برهمنان در آنجا سکونت داشتند ولی اطلاع دقیق در این مورد نیست که آنها کی آمدند.^۱ آثار حفريات و کتیبه‌ها در خرابه‌های بهتری سیدپور و غیره دیده می‌شود. بودایی‌ها و هندوها خودشان جنگیده تمام آن آثار را از بین بردند.

هیون سانگ (Hiouen Thsang)، سیاح چینی، هنگام برگشت از سفر خود، از منطقه‌ای که اکنون شهر غازی پور نام دارد، عبور کرده بود. وی این منطقه را به زبان چینی، چین چو (Sehen tehou...) یعنی حکومت شاهان جنگجو نامید و به تفصیل فرهنگ آن دوره را ذکر کرد. وی می‌نویسد که مردم آنجا ثروتمند و مرفه حال هستند، تعداد قصبه و روستاها زیاد است، آب و هوا خوشگوار و معتدل است، مردم با ایمان و راست گو هستند و در آنجا دوازده خانقاه بودایی و تقریباً هزار مونک (Monk) و بیست معبد وجود دارد. در شمال غرب پایتخت خانقاهی است و در مرکز استوپ است که شاه اشوک آن را نصب کرده بود. فاصله‌ای که هیون سانگ ذکر کرده است از بنارس به سوی غازی پور می‌برد ولی شهری با این اسم در متون سانسکریت وجود ندارد.^۲

اقوام دیگری که الان در غازی پور وجود دارند عبارتند از مسلمانان، راجپوتان یا چهتری و برهمن و بین آنها قبیله‌ها و خانواده‌های مختلفی هستند. دین شان هندو است زمینداران را بهوئی‌ها می‌گویند و اینها خود را از اصل برهمنان می‌دانند. راجپوتان این شهر با اسم خود پسوند سینگ می‌نویسند و بهوئی‌ها را می‌نگارند. بعضی‌ها خطاب خان نیز دارند و بعضی به جای رای، پردهان هم تحریر می‌کنند.^۳

عده‌ای از راجپوتان که در زمان مغول مسلمان شدند با اقوام قدیم ارتباط نزدیکی دارند، اگرچه با هم روابط خورد و نوش ندارند. اینها را به نام نومسلم می‌شناسند. و پنهان گفته شوند تعدادشان در اواخر قرن نوزدهم تقریباً هزار و چار صد نفر بود.^۴

۱. اولدهم، ص ۱۵.

۲. اولدهم، ص ۳۳-۳۶؛ آی، سی، ایل کارلایل ج ۲۲، ص ۹۴-۸۹.

۳. اولدهم، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۴۴.

سید

اولدهم می‌نویسد که سیدها تقریباً ۳۵۰۰ نفر هستند. آنها نجیب و تحصیل کرده‌اند. در غازی‌پور و در نواحی آن از اولاد اولین فاتح سید اند. اینها حاکم روستاها اند و به عنوان جاگیرداران شمرده می‌شوند.^۱

شیخ

در مرکز و در شرق پرگنه در قرن شانزدهم در زمان لودی‌ها و مغول گورکانی، وارد شدند. خانواده صدیق شیخ از پهتیا و انصاری شیخ یوسف پور ذهین بودند و تعداد کل شیخ در این سرزمین بیست و هشت هزار بود.^۲ کایست، لاله و اهیر و غیره ملل دیگر نیز آنجا با هم زندگی می‌کنند و بین آنها زمینداران نیز هستند.

تاریخ اجتماعی و فرهنگی غازی‌پور

غازی‌پور هیچ وقت در ترویج فرهنگ و ادب فارسی به صورت رسمی از سرپرستی شاهانه برخوردار نبود. این منطقه برای سیاحان و شاهان راه عبوری بود، قشون شاهی می‌آمدند و همراه شان علما، صوفیان، شعرا و روحانیون ایرانی‌النسل، ترکی، افغانی و غیره می‌بودند. آنها پس از فتوحات همانجا اقامت می‌گزیدند. در نتیجه وجودشان باعث ترویج دین اسلام و فرهنگ مخصوص ایشان شد.

در عهد محمود غزنوی سید سالار مسعود غازی بن سید سالار ساهو مضافات غازی‌پور را آباد کرد. ملک مردان شاه رحمه در سال ۴۲۰ هجری حوالی غازی‌پور را فتح کرد. ملک بحری^ح، شاه محمد کبیر^ح معاصر وی بودند و این سرزمین را با تعلیمات خود به اوج رساندند. در بحری‌آباد که به ملک بحری نسبت دارد، ملک بحری حجره‌ای برای عبادت و مسجدی بنا ساخت که تا ۱۹۲۵ میلادی وجود داشت. در عهد التتمش گروهی از مردم با سید تاج‌الدین سبزواری که از نسل امام موسی

۱. اولدهم، ص ۴۵

۲. همان، ص ۳۵.

کاظم^(ع) بود، در حوالی غازی پور وارد شد. تاریخ ورود وی به هند، سال ۱۲۳۶- ۱۲۱۱ میلادی است. وی در سال ۶۶۴ هـ ق/ ۱۲۶۴ میلادی^۱ تاجپور را بنا نهاد. تاج‌الدین سبزواری یکی از شخصیت‌های مهم آن دوره که در عهد رضیه سلطان بر بنای هرج و مرج سپه‌سالاری و منصب پنج‌هزاری را ترک گفته بود، با همراهیان خود نزدیک غازی پور ساکن شد. شیخ علی، حسن خان، رام دهن لال و غوثل رای نیز به همراه وی همانجا ساکن شدند و به نام خودشان مواضع مختلف مانند شیخ علی، شیخ علی پور، شیخ حسن، حسن پور، غوثل رای، غوثل پور، رام دهن لال، دیهمه را آباد کردند.^۲

در زمان سلطان محمد تغلق، مخدوم شیخ تاج‌الدین و برادرش شیخ سراج‌الدین در مضافات غازی پور با عده‌ای از سپاهیان و سواران اقامت گزیدند و بر دویت قریه و روستای اطراف حکومت کردند. آهسته آهسته در این قریه‌ها و روستاها فرهنگ مخصوصی به وجود آمد. جایی که آنها بودند در زمان ابراهیم لودی، به مناسبت نام سید شاه نمود صوفی، سیدپور نمدی گفته می‌شد. وی هم شاعر و هم نویسنده زبان و ادبیات فارسی بود. مکتوبات نمود یکی از آثار وی است.^۳

امیر سید محمود (محمد) قبل از فتح ملک‌السادات در موضعی به نام باریک پور (شاید مخفف مبارک پور است) سکونت داشت و بین مردم به نام سید گوشائین معروف بود.^۴ در عهد فیروز شاه تغلق خواجه معین‌الدین قتال، نوه (فرزند پسر) فریدالدین عطار نیشابوری، قاضی شهر غازی پور بود. تا سال ۱۸۳۲ م. منصب قضا در این خانواده بود.^۵ در زمان غیاث‌الدین تغلق، شیخ شمس‌الدین به اینجا آمد. وی کتابی به نام کرسی‌نامه شمس‌الدین به فارسی نوشت. شیخ احمد وارثی این کتاب را مرتب کرده است.^۶

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۶۶

۲. سید امام الله، ص ۴۸، سید غلام حسین پاروی، تذکره‌الانساب، ج ۱، ص ۲۸-۲۷، عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۶۶.

۳. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۶۶.

۴. همان، ص ۶۸.

۵. عزیز صدیقی، غازی پور کا ادبی پس منظر، ص ۶۶.

۶. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ۲۰۹ و ۲۱۰.

شمس‌الدین پیرو یحیی منیری بود. وی در تبلیغ دین مبین بسیار فعال بود و در منطقه چوسه اقامت گزید. وی منطقه‌ای را که مردم از ظلم سیوری‌ها ناراحت بودند، جای امن قرار داد. سپهسالار امیر مسعود، بانی شهر غازی‌پور، که در حدیث و فقه و تفسیر بر علمای آن عهد فوقیت داشت، با چهل تن سپهسالار به غازی‌پور فعلی برای شکست دادن چکواماندها تا رسید. فرزندان او نیز همراه بودند. اسامی ایشان به این صورت است: سید رضا نورالدین، سید علاءالدین، سید قطب‌الدین، سید ضیاءالدین. علاوه بر ایشان سید مخدوم جلال، مخدوم سید احمد، سید محمد عمر، سید جمال، خواجه نصیرالدین و غیره^۱. بعضی از این افراد شهید شدند و فرزندانشان که زنده ماندند در شهر غازی‌پور و حوالی آن آباد گشتند. می‌گویند که ملک‌السادات مسعود پس از فتح منطقه، به قصبه منیر بیهار پیش درویشی به نام مخدوم احمد چرم‌پوش رفت. آن درویش در حق او دعا کرد که اولادش تا قیام قیامت باقی باشند. وی پس از بازگشت به غازی‌پور خانقاهی درست کرد و آبگیری پخته به نام مسعود گهات تأسیس کرد^۲ وی در همان شهر به تاریخ هفتم ماه رجب‌المرجب ۷۶۷ هـ ق/ ۱۳۶۶ میلادی فوت شد و در محله سیدواره دفن گردید که الآن هری‌شنکری خوانده می‌شود^۳. سیدها و مشایخ در ترویج فرهنگ اسلامی، ایرانی، ترکی و افغانی بسیار فعال بودند. صوفیا و مشایخ نیز کار مهمی انجام دادند. فرزندان آنها و نسل‌های بعدی شان در ترویج دین اسلام و زبان و فرهنگ اسلامی و ایرانی کارهای نمایانی انجام دادند و تا حال انجام می‌دهند. شاهان شرقی نیز در پیشرفت این منطقه، کارهای نمایانی انجام دادند. بازارها، خانقاه‌ها، مسجدها و ساختمان‌های خوب بنا گردید و غازی‌پور مرکز علمی و ادبی فرهنگی شد. ملکه بی‌بی راجی در حوالی غازی‌پور سه مسجد، مدرسه، پل و عیدگاهی کنار رود گانگی بنا کرد. وی در سیدپور مسجد جامع با مدرسه، حوض، چاه و عیدگاه بنا کرد^۴. بی‌بی اسامی ماه‌های قمری را نیز رواج داد که تا حال بین خانم‌ها استفاده می‌شود:

۱. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۶۸.

۲. نقشه قدیم، شماره ۶۷۱، ۸۰-۱۸۷۹.

۳. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۷۱-۷۲.

۴. همان، ص ۷۷.

داها، تیره تیزی، باره وفات،^۱ سے پیر مدار یا شه مدار خواجه معین، مه رجب، شبیرات، روزه، عید، خالی، بقرعید^۱.

یکی از دوستان بی بی راجی، فیروز خانم بود و گلبدن خطاب وی بود. پارچه ابریشم بنارس معروف به گلبدن یادگار همان زمان است. غازی پور در زمان شرقی ها یکی از مراکز مهم فرهنگی بود.^۲ تا دوره لودیان غازی پور دارای شخصیت های بزرگی بوده است. یکی از آنها مخدوم شاه شهاب الدین از احفاد شیخ فریدالدین گنج شکر علیه الرحمه^۳ بود که در زمان حسین شاه شرقی با پیر قانع سرور و خانواده در سال ۷۲۲ میلادی وارد غازی پور شد. مزارش در نورالدین پوره شهر غازی پور است.

ابوالفتح چشتی ابن مخدوم شاه شهاب الدین از نوه های شیخ فریدالدین گنج شکر، درویش، خلیفه و جانشین فضل الله زاهدی العباسی بود.^۴

در همان دوره شیخ حسن داؤدی، از دانشوران آن دوران، رساله ای درباره صرف و نحو و کتابی نام مرغوب الطالبین نگاشت. فرزندان وی و نسل های بعدی در ترویج فرهنگ اسلام سهم بزرگی دارند. در زمان لودیان نصیرخان لوهانی/نوحانی، حاکم غازی پور، قلعه غازی پور را بنا نهاد. از نقش و نگار، سنگ تراشی و حکاکی این بنا، آثار فن معماری اسلامی آشکار است.^۵ اکبر پادشاه نیز برای سرکوبی سپه سالار علی قلی خان زمان به این قلعه آمده بود.

شیخ بهلول مرید شیخ ظهور حاجی حمید در سلسله شطاری با سلطان العارفین شیخ بایزید بسطامی نسبت داشت. سلیم شاه پسر شیر شاه سوری مثل پدر به جنید شاه قادری عقیدت داشت. شیر شاه در تمام مکان هایی که شاه جنید عبادت کرده بود، مدارس و مساجد تأسیس کرد، خانقاه محله میان پوره، خانقاه آستانه جنیدیه قادریه و

۱. عبدالسلام نعمانی، تاریخ آثار بنارس، ص ۸۰.

۲. سید سلیمان ندوی، ص ۲۸ و ۲۷.

۳. سید امان الله، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. عبید الرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۳۸.

غیره شهرت دارد. مسجد و حجره و مزار شاه جنید نیز ساخته شد.^۱ علی قلی خان خود شاعر زبان فارسی بود. وقتی که او در قلعه زمانیه می‌بود، بزم شعر و سخن و رقص و سرود برگزار می‌شد. شعرا مشاهره دریافت می‌کردند. شعرای معروف آن زمان سید امین سیدپوری، غزالی، الفتی، سلطان بتکلی جمال‌الدین حسینی، شیخ انصاف و غیره بودند. برادر علی قلی محمد سعید خان ملقب به بهادر علی خان نیز شاعر و نویسنده زبان فارسی بود.^۲

پهار خان، حاکم غازی‌پور، در توسیع و تزئین شهر بسیار فعال بود. وی چندین محله را به نام قوم و امرای عهد خود آباد کرد. به طور مثال مغل‌پوره، بهارپور، محله نیازی، مفتی‌پوره، مندی اکبرآباد، رضاگنج، نظامی بیگ و غیره. بهارخان در زندگی خود مقبره زیبا و آبگیر بسیار زیبایی با سنگ‌های قرمز و سفید بنا کرده بود که در آن زمان در شب‌ها دیدنی بود.^۳

اکبر شاه پس از وفات علی قلی خان، غازی‌پور را در صوبه اله‌آباد به عنوان سرکار داخل کرد. در زمان مغول گورکانی حاکمان مختلفی بر غازی‌پور تسلط داشتند، آهسته آهسته این شهر و مضافات آن تبدیل به یک مرکز غنی فرهنگ فارسی شد. از زمان‌های قدیم در شهر غازی‌پور نشست‌های شعری و ادبی برگزار می‌شد.

اکبر شاه در غازی‌پور وقایع‌نویسی را متعین کرد. زبان نوشته‌های اداری فارسی بود.^۴ شاه محمد غوث فرزند سید بهلول که همراه نام وی گوالیاری هم نوشته می‌شود، یکی از مشایخ و سر برآوران زبان‌های فارسی، عربی، سانسکریت، اردو، ریخته و هندی بود. کتابی از او به نام بحرالاحیات بسیار شهرت دارد. اثر دیگر او جواهرالخمسه است.

۱. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۹۲؛ خاندانی بیاض شجره خاندان جنیدیه قادریه دست‌نویس، دائرة شاه اجمل اله‌آبادی.

۲. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۹۵-۹۶.

۳. اولدهم، میماثرز، ج اول، ص ۹۴؛ عبیدالرحمن، مشایخ، ص ۱۰۳.

۴. عبیدالرحمن، ادبی پس منظر، ص ۳۱.

غازی پور و حوالی آن تا قرن هفدهم برای فرهنگ خاص علمی و ادبی مقام والایی داشت. علما، مشایخ، صوفیا، قضات، شعرا و نویسندگان نه فقط در آن شهر زندگی می‌کردند بلکه روستاها و قریه‌ها نیز مراکز علمی و ادبی بودند.

نونهره، پاره بگهوئی بزرگ، زنگی پور، تاج پور، گنگولی سیدپور، بحریاباد، غوث پور، محمدآباد و غیره شهرت دارند. بعضی از قریه‌ها تا حال در تاریخ علم و ادب چهره درخشانی دارد. ولی در بیشتر روستاها هیچ علامتی از آثار شکوه قبلی وجود ندارد. جز چند مزار شکسته، مساجد نیمه ویران و خرابه‌های خانه‌های سادات و مشایخ.

شاه جهان در موضع نولی زمانیه درسگاهی تأسیس کرد و علما و مدرسین با استعداد را متعین کرد. مولوی بهاءالدین عاملی رساله‌ای تحریر کرد که در آن ذکر علما و مشایخ و نویسندگان آنجا است. این شهر تا زمان اورنگ‌زیب یکی از مراکز فرهنگی بود. سید امان الله زنگی پوری نسب‌نامه سادات غازی پور را نوشت. شیخ غلام مصطفی ادهمی یکی از مشایخ بزرگ و صاحب آثار بود ولی از کتاب‌های او خبری نیست.

شاهجهان نیز به قصبه شادی‌آباد غازی پور آمده بود. (شادی‌آباد اصلاً اسمش سعدی‌آباد بود که بعدها شادی‌آباد شد). سعدی غلام ملک مردان برادر ملک بحری بود. سعدی و ملک مردان هر دو این منطقه را فتح کرده بودند و مزارشان همانجا است.^۱ شاهجهان بر مزار وی مقبره تأسیس کرد و بر روضه وی فاتحه‌خوانی شد.^۲ در شادی‌آباد مسجد جامع شاهی نیز هست که در سال ۱۰۱۶ هـ بنا شد و کتبه‌ای به زبان فارسی دارد. نواب صوفی بهادر در نولی مسجدی پرشکوه بنا کرد که شاهکار فن معماری بود. خواهرش نیز نزدیک نولی در ترلوک پوری مسجدی بنا کرد. سنگی بر در وسطی وجود دارد که به فارسی و عربی عبارتی روی آن کنده شده است که تاریخ اتمام بنا را دارد.^۳

در عهد اورنگ‌زیب پس از رحلت صوفی خان، نواب عتیق الله خان حاکم غازی پور

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.

شد. (در غازی‌پور نزد شاه ابرار ساکن محله میان‌پوره قرآن شریف دست‌نویس اورنگ‌زیب نگهداری می‌شود).^۱ در همان عهد دیندار خان^۲ یا دلداری خان^۳ قصبه‌ای را بنا نهاد به نام دلداری‌نگر قلعه و مسجدی را بنا کرد که به نام مسجد عالمگیری شهرت دارد.^۴ اورنگ‌زیب منطقه‌ای را که قلعه راجه مانده‌ها تا در آن بود، به غوث خان داد و بعدها آن ناحیه به نام غوث‌پور مشهور گردید. همین‌طور حیت‌پور را برادر سوم غوث خان که حاتم خان اسم داشت، بنا کرد.

پس از زوال حکومت اورنگ‌زیب، برهان‌الملک سعادت علی خان نیشابوری حاکم صوبه اوده شد و غازی‌پور زیر نگینش بود.^۵

در عهد وی یک صوفی و نویسنده هندو به نام سوامی نارائن سینگ بسیار شهرت داشت. محمد شاه، پادشاه مغول، مرید او بود و او را سرپرستی می‌کرد. سوامی مذکور نهضتی به نام شیونرائی را شروع کرد.

فرخ‌سیر در سال ۱۷۱۷ م. سربلند خان را گورنر معین کرد و سربلند خان شیخ عبدالله را نایب خود گردانید. شیخ در غازی‌پور عمارت‌های پر شکوه، مساجد، پل، قلعه و معابد مختلفی را بنا کرد.^۶ بنای چهل ستون یکی از آنها بود که اکنون به خرابه‌ای تبدیل شده است.^۷ جامی مسجد و مسجد قاضی شیخ شمش‌الحق نیز شهرت دارد.

پس از وفات وی پسرش فضل علی (وفات ۱۱۵۰ هـ ق/ ۱۷۷۳ میلادی) حاکم غازی‌پور شد. شجاع‌الدوله در سال ۱۷۵۴ میلادی حاکم صوبه اود شد و محمد علی خان را به جای فضل علی خان گماشت.^۸ فضل علی مردی علم دوست بود و در زمان

-
۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۱۱۵.
 ۲. شاهی فرمان (اورنگ‌زیب) عالمگیر.
 ۳. غازی‌پور گزیتیر، ج ۲۹، ص ۱۹۲.
 ۴. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۱۲۰.
 ۵. مآثرالکرام، ج اول، ص ۲۲۲.
 ۶. تذکره‌الانساب، ص ۱۰۶-۱۰۵.
 ۷. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۱۲۸.
 ۸. همان، ص ۱۳۶.

وی غازی پور مرکز فرهنگ و دانش گردید^۱ پس از به وجود آمدن ریاست (Estate) اود زبان فارسی زبان اداری شهر غازی پور شد. در زبان اردو نیز شعرا و نویسندگان کار ادبی را آغاز کردند. "در مدت ده سال غازی پور مرکز درس و تدریس و فضل و کمال شد"^۲. در عهد فضل علی مذهب تشیع در فرهنگ غازی پور نفوذ پیدا کرد. مساجد، امام بارگاه، حسینیه و عیدگاهها بنا شد و آبادانی سیدها از لحاظ علم و دانش به اوج رسید^۳. شعرای اردو و فارسی عهد وی مسایل عارفانه متصوفانه و مضامین اخلاقی را در غزل‌های خود می‌سرودند. معروف‌ترین شخصیت‌های آن دوره عبارتند از:

شیخ احمد وارث متخلص به احمدی زمانوی، مولوی سید غلام حسین شهید، سلامت علی، میر قطب‌الدین علی خان شادان، رای امر سینگ شایق، شیخ محمد اشرف نواب، سید غلام محی‌الدین یحیایی، سید محمد علیم بیتاب، شیخ فتح علی منصف، محمد شاه حاضر زمانوی، منشی آسا رام ذوق، شیخ محمد ماه زوار، سید حسن رضا زنگی پوری، سید علی حسین زنگی پوری، سید محمد محسن زنگی پوری و غیره.

از زمان فضل علی تا وفات راجه بلونت سینگ، غازی پور گاهی در اود و گاهی در بنارس بود. در سال ۱۸۲۷ م. راجه فوت شد و غازی پور به دست انگلیس‌ها افتاد و آهسته آهسته بساط فرهنگ قدیم چیده شد.

در سال ۱۲۵۲ هـ/ ۱۸۲۶ م. در اداره حاکم اعلی (کلکتر) زبان اردو همراه زبان فارسی رسمیت پیدا کرد^۴. در اواخر قرن هیجدهم و اوایل نوزدهم گلکرت در غازی پور زبان اردو را ترویج داد و استیصال زبان فارسی آغاز گردید. گلکرت در سال ۱۷۸۸ م. در قالب تبلیغ دین مسیحی و تأسیس صومعه و صنعت و حرفت، در مسایل لسانی و فرهنگی تغییراتی به وجود آورد^۵.

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۱۴۰.

۲. رساله بهاء‌الدین عاملی، نسخه خطی، ص ۲۳۲؛ عبیدالرّحمن، ادبی پس منظر، ص ۹۹.

۳. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۱۴۵.

۴. همان، ص ۱۵۵.

۵. همان، ص ۱۵۶.

در سال ۱۹۴۷م. هند تقسیم شد. هرج و مرج سیاسی بر غازی‌پور نیز تأثیر گذاشت و مردم با استعداد در تلاش معاش به شهرهای بزرگ هند هجرت کردند یا به خارج رفتند و بعضی‌ها به پاکستان منتقل شدند. هویت فرهنگی یکسره عوش شد. بعضی از روستاها و قریه‌های غازی‌پور بهترین مراکز علمی و ادبی بودند. نونه‌ره، پاره، بگهویی بزرگ، زنگی‌پور، ارزانی‌پور، ملناپور و گنگولی از مراکز اهل تشیع بود. شخصیت‌های برجسته آن دیار زیاداند. فقط به چند مورد اشاره می‌شود:

نونه‌ره

سید محمد مرتضی فلسفی، بحرالعلوم مولانا رمضان علی، مولانا ابن حسن نونه‌روی سید نجف علی از اکابر علما بود^۱. پروفیسور سید شبیه‌الحسن نونه‌روی. آخرالذکر آخرین فرد آن قصبه بود که نوشته‌هایش به فارسی وجود دارد. مولانا حسن نواب (تولد ۱۹۱۳م. ساکن کراچی) مردی فاضل و فارسی‌دان است.

پاره

علی عباس حسینی نویسنده معروف اردو، مولانا هاشم، مولانا وجیه‌الحسن، مولانا ظهیر واعظ، و غیره صاحب تصانیف بودند. پروفیسور ممتاز حسین، پژوهشگر و ناقد زبان و ادبیات فارسی و متخصص امیر خسرو بود که به پاکستان هجرت کرد.

بگهویی بزرگ

حالا آنجا فقط سه خانواده مسلمان و دو خانواده هندو زندگی می‌کنند. مسجد بزرگی دارد که مسجد جامع است و در عهد جهانگیر تأسیس شده و تاریخ تأسیس آن «کبیت العتیق» است که نمایانگر فرهنگ آن دوره است. پس آشکار می‌گردد که نماز جمعه از آن موقع برگزار می‌شد. کتیبه فارسی بر محراب و سنگ مزارها دیده می‌شود. پروفیسور سید امیر حسن عابدی، بابای فارسی، پروفیسور مونس رضا، استاد جغرافیا دانشگاه جواهر لعل نهرو و رئیس دانشگاه دهلی، و راهی معصوم رضا، نویسنده معروف اردو و

۱. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۵۴۴.

هندی نوه‌های این روستا بودند. دکتر سید شاهد حسین حسینی احیاگر فرهنگ اسلامی دوره خود بود. حجة الاسلام مولانا سید حسین مهدی حسینی بر زبان عربی و فارسی تسلط دارد و در خدمتگزاری به فرهنگ اسلامی و احیای آثار عربی و فارسی سعی بلیغ می‌کند. نویسنده سیده بلقیس فاطمه حسینی در دانشگاه دهلی و دکتر سیده خورشید فاطمه حسینی در دانشگاه علیگر استاد زبان فارسی است و برادران وی سید حسن مهدی حسینی و دکتر سید سجاد مهدی حسینی نیز با زبان و ادب فارسی ارتباط دارند و آثار فارسی را به زبان اردو ترجمه کرده‌اند.

گنگولی

اجداد پروفیسور سید امیر حسن عابدی همین جا سکونت داشتند و فرزندان عمویش که قبلاً ذکر شده‌اند یعنی پروفیسور مونس رضا، پروفیسور مهدی رضا، راهی معصوم رضا، علاوه بر این سید شاهد مهدی، رئیس دانشگاه جامعه ملیه اسلامی، نیز از همین قریه‌اند.

زنگی پور

قصبه مشهور آن دیار است که بزرگ‌ترین مرکز دانشوران بود. سادات عموماً اهل تصانیف بودند. سید امان‌الله صاحب نسب‌نامه سادات غازی پور، علامه هارون زنگی پوری که تقریباً صد کتاب و رساله نوشت و مفسر قرآن بود، سید رضی مفسر قرآن، سید کرم حسین که در سن چهل سالگی فوت شد و چهل کتاب نوشت. سید احمد حسین زنگی پوری چهل و هشت اثر دارد که بیست و یک عدد از آن به فارسی است. قیس زنگی پوری شاعر معروف نیز از همین دیار است. الآن نیز علماء و مجتهدین این قصبه در شهرهای مختلف زندگی می‌کنند.

دیوکتها

از قصبه‌های مشهور است که علما و روحانیون بسیاری را به خود دیده است. آقای عبد علی مرحوم یکی از ایشان بود که به فیض آباد منتقل شد و در محله‌ای ساکن شد که بعدها به نام امام‌باره شهرت یافت. تا حال اولاد و احفاد وی در آن منطقه فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند. بعضی از خانواده‌های تحصیل کرده در دانشگاه‌های مختلف به تدریس

مشغول هستند. علامه نجم‌الحسن سه برادر داشت. علامه سید وصی محمد و سید بدرالحسن. مولانا نجم‌الحسن و مولانا سید وصی محمد استاد مدرسه وثیقہ فیض آباد بودند. پروفیسور بدرالحسن استاد زبان عربی و رئیس گروه عربی دانشگاه هندوی بنارس بود و به زبان فارسی هم تسلط داشت. فرزند وی سید عین‌الحسن استاد زبان فارسی در دانشگاه جواهر لعل نهرو است. حجة الاسلام آقای احمد علی در بمبئی در مدرسہ نجفی هاؤس مشغول خدمت به فرهنگ اسلامی و ادب فارسی است. در این خانواده چندین نسل است که پسر بزرگ با تحصیل علم دین، مسئولیت امام جماعت را به عهده می‌گیرد.

ملناپور

مردی زاهد و دانشور و صاحب کرامت به نام علی مردان شهرت داشت. مولانا سید حسن امداد جعفری مترجم بحارالانوار علامه مجلسی است. حکمای مختلفی نیز در این سرزمین زندگی می‌کردند که بعضی‌ها حکیم باشی بودند.

ارزانی پور

افتخار حسین قاضی مصنف نسب‌نامه و مفسر قرآن به انگلیسی بود. قصبه‌ها و مواضع زیر از مراکز اهل سنت بود. صوفیا و عرفا زحمت‌ها کشیدند و فضای عرفانی و آستانه‌ها برای تنزیه و ترکیه نفس داشتند و خانقاه‌ها باعث جلب توجه عوام بود.

شادی آباد (سعدی آباد)، بحری آباد

ملک بحری، شاه غلام مصطفی ادهمی، پروفیسور مشیرالحق رئیس دانشگاه کشمیر، شاه عبدالسلام و دیگران از این ناحیه بودند.

سیدپور بهتری

شیخ محمد افضل که بعداً به اله آباد هجرت کرد. شاه خوب الله و دیگران آثار زیادی در ادبیات فارسی دارند اجدادشان همین جا سکونت داشتند.

زمانیه

شیخ اجمل چودری، محمد یعقوب بہتروی، شیخ احمد ملت، شیخ محمد عثمان و غیره از شخصیت‌های مهم آن دوره بودند.

یوسف پور

این قصبه نیز در تاریخ یادگاری است. اهل سیاست از این قریه به وجود آمدند و علاوه بر فرهنگ اسلامی در حفظ وطن خود کارهای نمایان انجام دادند. دکتر مختار احمد انصاری یکی از مؤسسان جامعه ملیہ اسلامیہ بود. نایب رئیس جمہور کشور ہندوستان آقای حامد انصاری نیز از ہمین سرزمین است.^۱ دکتر علیم اشرف خان کہ در دانشگاه دہلی استاد زبان و ادب فارسی است نیز از ہمین قصبہ است.

سرولی عرف پھتیا

پروفیسور عبدالعلیم، رئیس دانشگاه علیگر از اہالی ہمین قصبہ بود. شیخ عبدالصمد و مولوی عبدالعظیم افراد مشہوری ہستند. شہر غازی پور از لحاظ علمی و هنری بسیار مهم است عدہ کثیری از شعرا و نویسندگان و دانشوران برجستہ از ہر قریہ و دہ برخاستہ‌اند. ما در این مقالہ فقط بہ چند اسم در ہر زمینہ اشارہ می‌کنیم:

سینما

کمال امروہوی کہ اصلاً اہل اُسیای غازی پور بود.^۲ طاہر حسین عموی نذیر حسین و پدر عامر خان ہر سہ نفر در دنیای فیلم معروف‌اند. یونس پرویز مذکور از محمودآباد بود. وی فیلم‌های بہوجپوری (لہجہ مخصوص ایالت اترپردیش) را رواج داد. انجمن سریواستو از گہمر، راہی معصوم رضای مذکور و وایی. ایل. باگچی ولی این افراد با دنیای فارسی ارتباطی ندارند.

۱. ماہنامہ بزم سہارا، اکتبر ۲۰۱۱.

۲. جَن پَد، ص ۱۹۰.

ستارنواز

پندت روی شنکر از بلوک مرده روستای نصرت پور غازی پور یکی از هنرمندان مشهور بود.

رقص

پندت اودی شنکر، ستاره دیوی موسیقی دان و سریندر پال سینگ از تحصیل سیدپور بودند.

شعرا و نویسندگان زبان هندی

ایشورداس (۱۵۷۴-۱۵۴۶) نویسنده، گوپال رام از گهمر (۱۹۴۶-۱۸۶۶) نویسنده
 رمان‌های جاسوسی و اجتماعی، شاعر کهری بولی رام چترت ابادهیای ۱۹۳۸-۱۸۷۲،
 چنتامنی، شری کرشن رای هردیش (۹۹-۱۹۰۹) پندت شری نات متر (۱۹۷۷-۱۹۰۳)،
 شری رام سینگ گهلوت (۷۷-۱۹۱۵)، مختار سینگ دکهچشت (۱۹۳۶) بهولانات
 تیواری (۱۹۸۹-۱۹۲۳)، بهولا نات گهمری (۲۰۰۱-۱۹۲۳)، دکتر وویکی رای (متولد
 ۱۹۲۴)، کبیرنات (۱۹۹۶-۱۹۳۰) و دیگران.

مساجد

در شهر غازی پور تقریباً شش مسجد کتیبه دارد و این کتیبه‌ها به زبان فارسی و عربی
 است. قبل از سال ۱۸۵۷ چارصد مسجد بود اکنون تقریباً دو هزار مسجد است. پس از
 انهدام مسجد بابری، مسجدهای ویران شده دوباره بازسازی و آباد گردید. فقط در شهر
 تقریباً دویست مسجد است^۱ یکی از قدیم‌ترین مساجد، مسجد جامع بگهونی بزرگ
 است که دارای کتیبه عربی و فارسی است. مسجد شادی‌آباد در عهد شاهجهانی بنا شد.
 مسجد آستانه میان پوره، مسجد روستای نولی در حوالی دلدارنگر و مسجد نیازی (قرن
 نهم) مسجدی بسیار قشنگ در دیوکتهیا است که در دوران حکومت اود در سال ۱۸۶۹
 م. تأسیس شد. مؤسس آن میر عبدالعلی بود.

میر عبدالعلی آن سید پاک یاسمین چمن مجد غلا

مسجدی ساخته با رفعت شان که بود کعبه ثانی گویا

۱. تذکره مشاهیر غازی پور، ص ۹۶.

مدارس

معروف‌ترین مدرسه اینجا چشمه رحمت است. وقتی که سر سید احمد خان از غازی پور به علی‌گر منتقل گردید، همان موقع در غازی پور دو مدرسه تأسیس شد یکی مدرسه مذکور و دومی وکتوریه اینگلو اورینتل اسکول و انجمنی به نام «سائنتفک سوسائیتی» در سال ۱۸۶۴ میلادی به وجود آمد و چاپخانه نیز دایر گردید. مدرسه وکتوریه اکنون به نام گورنمنت گرلز اسکول (مدرسه دخترانه دولتی) شهرت دارد.

مدرسه جرمن مشن هائی اسکول (German Mission High School) حالا سٹی انترکالج (City Inter College) شده است. در دومین مرحله کیتھولک چرچ مشن پرایمری اسکول^۱ و یتیم‌خانه نیز دایر کرد.

قبل از انگلیسی‌ها در غازی پور تعداد مدارس عربی و فارسی بیست و دو بود و برای آموزش قرآن پنجاه و سه مدرسه وجود داشت. این مدرسه‌ها از دولت کمک دریافت می‌کردند.

علاوه بر این تعداد مدارس ابتدایی و راهنمایی تقریباً ۲۰۰۰ بود ولی بسیاری از مدارس دینی از بین رفت. به طور مثال مدرسه صفاتیه، مدرسه محمدیه، مدرسه انجمن اسلامی، مدرسه انجمن اصلاح‌المومنین و غیره. مدرسه انصاریه، یوسف پور یکی از مهمترین مدرسه‌ها بود که در بازار کنات‌پیلس دهلی‌نو موقوفات داشت ولی حالا به صورت مدرسه ابتدایی باقی مانده است.

انگلیسی‌ها پانزده پات شالا (مدارس دینی هندوان) تأسیس کردند که بعضی تا کلاس پنجم است و بعضی تا کلاس هشتم ادامه دارد. در سال ۱۸۳۲ میلادی مدارس زنجیره‌ای ورناکلر تأسیس شد. دو مدرسه برای تربیت استادان بود. دو مدرسه عمومی بود یکی تا کلاس هشتم و دومی تا کلاس دوازدهم بود. اکنون مدرسه‌های دینی فقط بیست هستند که کمک دولتی دریافت می‌کنند و تقریباً هزار شخصی‌اند و آنهایی که دولتی شده‌اند از طرف عربک فارسی بورد (Arabic Persian Board) برنامه‌ریزی

۱. نیول، گزیتر غازی پور، ج ۲۹، ص ۱۴۵.

شده‌اند. چند دانشکده نیز وجود دارد ولی در برنامه درسی‌شان عربی فارسی نیست. مدرسه‌های دولتی عمومی نیز عربی فارسی ندارد.

خانقاه

خانقاه شاه غوث زمان اکبر شاه، خانقاه شاه محمد ناصر^۱، خانقاه آستانه جنیدیه قادریه و مسجد (زمان همایون و شیرشاه سوری)، خانقاه ملا رکن‌الدین بحری‌آبادی (زمان اکبر)، خانقاه چشتیه شاه یعقوب چشتی (علیه الرحمه) در عهد همایون، خانقاه موضع شاه برخوردار، خانقاه مداریه سیدپور، خانقاه مداریه شهر غازی‌پور، اورنگ‌زیب در این خانقاه آمده بود حالا خانقاه نیست^۲. خانقاه شاه مخدوم عبدالحی ادهمی^۳ شاهجهان موقوفات معین کرده بود.

خانقاهی به نام خانقاه سکندرپور بود که اکنون در غازی‌پور نیست خانقاه‌های دیگر موسوم به خانقاه دهاوا شریف، خانقاه و مسجد سید شاه فخرالدین، خانقاه شاه غلام محمد معصوم، خانقاه رشیدیه غازی‌پور، خانقاه غلام قادریه و غیره نیز فعال بودند. اکنون در غازی‌پور آن نظام خانقاهی و تزکیه نفس آستانه‌ها و درگاه‌ها از بین رفته، البته آثار بعضی از خانقاه‌ها یا آستانه‌ها وجود دارد. مزارها نیز هست. سلسله بهرکھیایته (زیاری صاحب ۱۶۶۸ میلادی) بولا صاحب، بلاقی صاحب، گلال صاحب و غیره.

کتابخانه

۱. کتابخانه چشمه رحمت یکی از بزرگترین کتابخانه‌های شهر غازی‌پور بود که در سال ۱۹۳۸ میلادی نذر آتش شد^۴.
۲. کتابخانه شیخ صادق علی اکنون اثری از آن نیست.
۳. کتابخانه عبیدالواحد نونوی، کتابخانه مظهر میموریل بحری‌آباد،
۴. کتابخانه دولتی غازی‌پور، (غازی‌پور کا سرکاری پستکالیه)

۱. عبیدالرحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی‌پور، ص ۳۱۰.

۲. همان، ص ۳۵۸.

۳. همان، ص ۳۷۶.

۴. تذکره مشاهیر غازی‌پور، ص ۱۰۲.

۵. کتابخانه قدیم سیدپور (پراچین پستکالیه سیدپور) علاوه بر این اهل دانش در خانه‌های خود نیز کتابخانه شخصی داشتند ولی علما و حکما فوت شدند یا از شهر غازی پور کوچ کردند و آن آثار علمی به دست وارثان بی‌سواد افتاد و از بین رفت.

چاپخانه

پس از آغاز صنعت چاپ، چندین چاپخانه در غازی پور نیز شروع شد و معیار آن نیز بلند بود. غوثیه پریس، هندوستانی پریس، مسلم پریس، انجم پریس، اردو پریس و غیره از چاپخانه‌های مشهوری بود که علاوه بر کتاب‌های اردو، کتاب‌های عربی و فارسی را نیز چاپ می‌کرد. حالا در غازی پور هیچ چاپخانه‌ای نیست که کتاب‌های عربی و فارسی را چاپ کند تنها جاوید پریس است که کتاب‌های اردو از آنجا منتشر می‌شود البته تقریباً بیست و پنج چاپخانه دیگر نیز است که کتاب‌های هندی و انگلیسی از آنجا به چاپ می‌رسد.

مطبوعات

از شهر غازی پور روزنامه «آیینۀ تهذیب» به زبان اردو منتشر می‌شد. سرپرست این روزنامه بابو شیو پرشاد و مدیر آن منشی محمد یسین شفق بود که خود شاعر هم بود. گاهی هشت صفحه و گاهی ده صفحه داشت.^۱ در سال ۱۸۸۲ میلادی به تاریخ دهم سپتامبر از چاپخانه صبح بنارس چاپ شد.^۲ نشریات هفتگی نیز به چاپ می‌رسید به طور مثال انجم، از محله بربرهنه. «انیس هند» اخبار هفتگی به مدیریت مولانا محمد اسمعیل ذبیح از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ میلادی منتشر شد.^۳ قبلاً روزنامه‌ای به زبان هندی به نام غازی پور سماچار نیز منتشر می‌شد. پرده‌فاش، غازی پور تایمز، آنچلک دوت، غازی پور وارتا و غازی پور سماچار و چندین نشریه هفتگی دیگر نیز به انتشار می‌رسد.

۱. عبیدالرّحمن صدیقی، تذکره مشایخ غازی پور، ص ۱۸۰.

۲. محمود الهی، ۸۸.

۳. تذکره مشاهیر غازی پور، ۱۰۴.

حرفه و صنعت

کشاورزی مهمترین حرفه این شهر و مضافات آن است. علاوه بر این دامپروری، آبپاشی، زرگری، آهنگری، نجاری، پارچه‌بافی، معماری، رنگ‌سازی و رنگرزی، عطرسازی، آجرسازی، نساجی، ابرسازی، سفالگری، ظرف‌سازی (سفالگری از برگ پلاس، گیاهی) حلواسازی، آشپزی، معلمی و پزشکی، در آخرین سال قرن هجدهم گل‌کرست کارخانه نیل‌سازی درست کرد. افیون‌سازی نیز در دست وی بود، کارگاه مشهور افیون در شهر، از زمان انگلیسی‌ها در سال ۱۸۰۰ میلادی وجود دارد. زنان طبقه پایین در اقتصاد بسیار سهم‌اند.

وسیله حمل و نقل

قطار، اتوبوس، اتومبیل، کالسکه گاو، (بیل‌گاری) کالسکه اسب، و گاری و دوچرخه و سه چرخه قبلاً دولی و پالکی نیز به کار می‌بردند.

فصل

سه فصل دارد، تابستان، باران و زمستان.

جشن‌ها

هولی، دیوالی، بسنت پنجمی، ناگ پنجمی، نوراترا، دد ری کهچری، محرم، عیدالفطر، عیدالاضحی، شب براءت، باره وفات (عید میلادالنبی)، ۱۳ رجب، ۲۲ رجب، سفره امام حسن، عروسی غازی میان، جیوتی برت، دشاها، گوپردهن پوجا، تیج یا هریالی. قبلاً لباس هندوان و مسلمانان جدا بود ولی در مدت پنجاه سال تقریباً یکی شده است. حالا لباس مسلمانان بالعموم در عروسی و جشن‌ها دیده می‌شود. لباس زنانه پیراهن، چوری دار پاجامه (پیژامه تنگ و چین‌دار) و ساری است. لباس مردان مسلمان شیروانی و کلاه، پیژامه و قمیص است و آنها این گونه لباس‌ها را در مراسم تشریفاتی بکار می‌برند. همین‌طور زنان نیز لباس‌های مخصوص خود را در جلسه‌های خصوصی می‌پوشند. زنان هندو بالعموم ساری، بلوز و مردان هندو پیراهن و لنگ (سپید بالعموم) و جلیقه جواهرکت و دستار و شیروانی می‌پوشند.

قبلاً زبان و لهجه اشراف اردو بود. خانم‌های‌شان ریختی حرف می‌زدند ولی طبقه پایین و متوسط هندو و مسلمان عموم مردم چه مرد و چه زن به لهجه بهوج پوری صحبت می‌کنند. حالا زبان هندی غلبه کرده ولی بین مسلمانان طبقه بالا زبان اردو رواج دارد.

منابع

۱. سید امان الله، نسب‌نامه سادات غازی پور دست‌نویس، ۱۶۹۲ میلادی.
۲. ظهیرالدین محمد بابر، بابرنامه، مترجم بیورج، ارسکن، نصیرالدین حیدر کراچی، ۱۹۶۲ میلادی.
۳. ابوالفضل، اکبرنامه، ج ۱، تصحیح مولوی عبدالرحیم، نصرت علی ناصر فور کتاب پبلیک هائوس ۱۲۱۴ کلان محل، دریا گنج، دهلی نو، ۱۹۷۷ میلادی.
۴. ابوالفضل، آیین اکبری، ترجمه انگلیسی، بلیک مین، تصحیح سر سید احمد خان، ۱۸۷۳ میلادی.
۵. دکتر شیو منگل رای، غازی پور کا ایتھاس، اندین پریس کالونی، بنارس، ۱۹۹۵ میلادی.
۶. دکتر سرجو تیواری، غازی پور کی اتھاسک دھرا، وسووهار پرکاش، ۱۹۹۸ میلادی.
۷. ولتن اولدهم، میماثرز آف غازی پور، کارلائس سروی رپورت.
۸. عبیدالرحمن صدیقی، تذکرہ مشایخ غازی پور، انیس پبلی کیشنز، صمد منزل مچهره‌ته، غازی پور، یوپی.
۹. عبیدالرحمن صدیقی، غازی پور کا ادبی پس منظر، انیس پبلی کیشنز، صمد منزل مچهره‌ته، غازی پور، یوپی.
۱۰. سید اولاد علی بلگرامی، تاریخ جدید اریسا، بنگال و بیهار.
۱۱. آزاد بلگرامی، مآثر الکرام، ج اول.
۱۲. سید غلام حسین پاروی، تذکرۃ الانساب، ج ۱، نسخہ خطی.
۱۳. سید سلیمان ندوی، حیات شبلی.
۱۴. خاندانی بیاض، دست‌نویس، دائره شاه اجمل.
۱۵. خواجه نعمت الله بن حبیب الله هروی، تاریخ خانجھانی و مخزن افغانی، ج ۱، زیکو پریس، دھاکا، پاکستان ۱۳۷۹ھ/۱۹۶۰ میلادی.
۱۶. ولیم کروک، منوهر پبلیشر، انصاری رود، دهلی نو.
۱۷. پربھوگھاتی، نورنگ رای کنسپت پبلشنگ کمپنی، ایچ ۱۳، بای‌نگر ۱۹۸۴ میلادی.
۱۸. عزیزالحسن صدیقی غازی پوری، تذکرہ مشاہیر غازی پور، ناشر عزیزالحسن بیت‌الحسن زیر قلعہ غازی پور.

۱۹. مضطر تاج‌پوری، تذکره شعرای غازی‌پور، پبلیشر سیّد علی مشیر رضوی مضطر تاج‌پوری، ضلع غازی‌پور ۱۹۹۰ میلادی.
۲۰. سید محمد هارون حسینی حلم زنگی پوری، تحقیق و تعلیق سیّدہ بلقیس فاطمہ حسینی، کلیات فارسی حلم و مثنوی قرۃ‌العین، ناشر دانشگاه دهلی، ۲۰۰۶ میلادی.
۲۱. حافظ نواز احمد سعیدی در برسرا زندگی می‌کند. نسخه خطی کرسی‌نامه پیش اوست. ۲۲. محمود الهی، باز یافت
۲۳. اندردیو، برکھرا کی سنت پر میرا
24. Tuin **ك** hij , d v¼; Uk 2010 fñy k f k k v½ ç f k k k k k k l s i j **ك** hij A
25. **ك** hij e g l o M A ih , u fl g 2008 ç d k k d ç l p h j l e y l y k d e v h y a k **ك** hij A
۲۶. فرمان شاه (اورنگ‌زیب) عالمگیر در منزل مقبول عالم (متوفی اکتبر ۲۰۱۱) محله قاضی توله متصل مسافرخانه نگهداری می‌شود. این فرمان برای خانقاه مخدوم شاه نورالدین است.
۲۷. فرمان شاه عالم برای اهالیان غازی‌پور (عکس پیش عبیدالرحمن صدیقی).